

Jurisprudential Analysis, Iran's legal legal in joining the World Trade Organization Agreement

Mohammad Farzan Hossein Nakhaei^۱

Seyed Milad Javid^۲

۱- Ph.D. in Oil and Gas Law, University of Tehran

۲- Master's degree in private law, Kerman Azad University, Kerman, Iran.

Abstract

The World Trade Organization today is one of the foundations of globalization, especially in the field of economics. Different countries are trying to expand and promote this international organization to use its interests. Iran is no exception. We will discuss a world in jurisprudence and legal in Iran. This article has been promoted and edited by reviewing some principles and rules of valid internal and external books and articles. The legal barriers to the Constitution and Article ۷۷ of the Iranian Constitution require that all international contracts and agreements must be approved by the Majlis, which will also include the World Trade Organization agreements. And the rights of the Islamic Republic. The result of this study is that most of the barriers and problems in the way of Iran's accession to the World Trade Organization lies in the constitution and in other legs of the current laws of the country (jurisprudential and legal), but if it is attached to the World Trade Organization. To be, it is expedient to revise the constitution or provide adaptive interpretations as soon as possible.

Keyword: Jurisprudence, Law, Legislative, World Trade Organization

^۱ Farzan.nakhaii۱۹۹۲@gmail.com

^۲ best.javid@gmail.com

تحلیل فقهی، حقوقی قانونگذار ایران در پیوستن به توافقنامه سازمان تجارت جهانی

محمد فرزانه حسین نخعی^۱سید میلاد جاوید^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴

چکیده

سازمان تجارت جهانی امروز یکی از پایه‌های جهانی شدن، به ویژه در حوزه اقتصاد به‌شمار می‌رود. کشورهای مختلف تلاش می‌کنند برای استفاده از منافع آن، این سازمان بین‌المللی را توسعه داده و جایگاهش را ارتقاء بخشند ایران نیز از این موضوع مستثنا نمی‌باشد لذا باتوجه به موانع و دیدگاه‌های متفاوت در این خصوص در مقاله پیش رو به بررسی توافقنامه سازمان تجارت جهانی از نظر فقهی و حقوقی در ایران خواهیم پرداخت. مقاله حاضر با مرور برخی اصول و قواعد از کتب و مقالات داخلی و خارجی معتبر بصورت ترویجی، تهیه و تدوین گردیده است. موانع حقوقی موجود در قانون اساسی و اصل ۷۷ قانون اساسی ایران الزام مینماید که کلیه قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس برسد که این موضوع شامل موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی نیز خواهد شد. و مطابق با اصول فقهی و حقوقی جمهوری اسلامی اقدام شود. برآیند این مطالعه آن است که غالب موانع و مشکلات موجود در راه الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی در قانون اساسی و در پاره‌های دیگر از قوانین جاری کشور (فقهی و حقوقی) نهفته است، لیکن اگر بنا بر الحاق به سازمان جهانی تجارت باشد، مصلحت اقتضا می‌کند نسبت به بازنگری قانون اساسی و یا ارائه تفسیرهای قابل انطباق، در اسرع زمان ممکن اقدام گردد.

واژگان کلیدی: فقه، حقوق، قانونگذار، سازمان تجارت جهانی



^۱ دانشجوی مقطع دکتری، رشته حقوق نفت و گاز، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ دانش‌آموخته کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد واحد کرمان، کرمان، ایران.

مقدمه

«فقه» یک نظام حقوقی در کشورهای اسلامی است که تعریف آن، دانش به احکام شرعی فرعی از ادله تفصیلی است. (مشکینی میرزا، ۱۴۱۶ ه.ق) تعریف معروف فقه در اصطلاح عبارت است از: روشی که به وسیله آن احکام شرعی را از ادله تفصیلی به دست می آوریم. «دلایل تفصیلی» از نظر اکثر علمای مسلمان عبارتند از: قرآن، سنت، اجماع و عقل. (شب خیز، ۱۳۹۲ ه. ش) بی تردید آن گاه که در نظام حقوقی ایران سخن از «منابع حقوق» به میان می آید، «فقه» به عنوان مهم ترین و برجسته ترین منبع خودنمایی می کند؛ توجه به این منبع غنی و ارزشمند خصوصاً با تشکیل حکومت اسلامی در ایران از اهمیت بیش تری برخوردار شده است. هر چند که تا پیش از تشکیل نظام جمهوری اسلامی نیز فقه به عنوان یکی از منابع حقوق و قوانین کشور مورد استناد حقوق دانان بود و بسیاری از قوانین نیز بر همین مبنا استوار گشته و از همین منبع استخراج شده بود، اما باید پذیرفت که انقلاب اسلامی آغازگر گفتمانی جدید در عرصه ی حیات فردی و اجتماعی انسان ها بود و پس از چند قرن حاکمیت گفتمان سکولاریسم^۱ و دین گریزی بر فرهنگ، سیاست و اقتصاد جهان موضوع اداره ی جامعه و حکومت بر اساس تعالیم دینی و فقهی و آموزه های وحیانی را مطرح ساخت. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۵) لذا با توجه به تعاریف و هدف سازمان تجارت جهانی در همین راستا قواعد و مقرراتی در این سازمان تدوین شده که هر کشور متقاضی عضویت باید قوانین و مقررات داخلی خود را با این قواعد تطبیق دهد.

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت که به اختصار گات^۲ نامیده می شود، معاهده ای بین المللی است که با هدف گسترش تجارت بین کشورهای عضو به وجود آمده است. تحولات چشمگیر در اقتصاد جهانی نیز متأثر از مذاکرات بین المللی مربوط به گات می باشد. هشتمین دور این مذاکرات که به مذاکرات دور اروگوئه مشهور است، منجر به تشکیل سازمان تجارت جهانی^۳ شد. هم اکنون WTO از اهمیت زیادی در صحنه تجارت بین المللی برخوردار است به طوری که عملکرد آن بر زندگی تمامی مردم جهان از جمله ایران تاثیر می

^۱ secularisme

^۲ GATT

^۳ World Trade Organization(WTO)

گذارند. (اکبریان، ۱۳۸۱) بنای سازمان تجارت جهانی بر اصول متعددی استوار است که مهمترین آنها اصل نبود تبعیض است. این اصل، کشورهای عضو سازمان را به داشتن رفتار یکسان با یکدیگر مقید میکند. با توجه به یکسان نبودن کشورها از لحاظ توسعه یافتگی، ورود کشورهای در حال توسعه یا کم توسعه یافته به سازمان تجارت جهانی، نیازمند مراقبت جدی از اقتصاد این کشورهاست تا هنگام رقابت با کشورهای توسعه یافته دچار آسیب نشوند. شرط تواناسازی، به کشورهای توسعه یافته این اجازه را میدهد تا به کشورهای در حال توسعه، ترتیبات تجاری ترجیحی اعطا کنند. عمل براساس این شرط، ارادی و داوطلبانه است، اما کاملاً تابع قواعد سازمان تجارت جهانی است و کشورها نمیتوانند آن را وسیلهای برای فرار از تعهدات این سازمان قرار دهند. ترجیحات اعطایی به موجب شرط تواناسازی که باید واجد سه ویژگی عمومیت یافته، غیرمعموض و غیرتبعیض آمیز باشد، بعضاً بر مبنایی انتخابی و گزینشی از سوی کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه داده میشوند. این امر میتواند موجب عقیم شدن کارایی این وسیله شود و فلسفه وجودی آن، یعنی تشویق و ترویج توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه را مخدوش کند (رضایی، ۱۳۹۶)

سازمان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی (World Trade Organization) به شکل مخفف : (WTO)، یک سازمان بین المللی است؛ که قوانین تجارت را تنظیم و اختلافات بین اعضا را حل و فصل می کند. اعضای سازمان تجارت جهانی کشورهایی هستند که موافقت نامه های (حدود ۳۰ موافقت نامه) این سازمان را امضا کرده اند. مقر سازمان تجارت جهانی در ژنو، سوئیس قرار دارد. تا سال ۲۰۲۳ تعداد ۱۶۶ کشور عضو این سازمان شده اند. (WTO, ۲۰۲۲) سازمان تجارت جهانی که شکل گسترده تر «گات» یا «موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت» است، بر پایه این مفروض کلیدی شکل گرفته که تجارت عرصه تبادل مزیت هاست. کشورهایی که دارای مزیت در حوزه های خاص اند، در صورت افزایش گستره طرفهای تجاری، رشد و شکوفایی اقتصادی بیشتری را در ملتها فراهم خواهند کرد. بنابراین، کشورها برای رسیدن به رشد و توسعه، لازم است با محوریت یک نهاد جهانی، موانع تجارت آزاد را بردارند. (باقری، ۱۳۸۸) سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ شکل گرفت و یکی از جوانترین سازمانهای بین المللی و در حقیقت جانشین موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت

سازمان تجارت جهانی میباید که پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۷ تأسیس شده بود. بدین ترتیب هر چند سازمان تجارت جهانی هنوز جوان است اما نظام تجارت چند جانبه که تحت گات شکل گرفت قدمتی شصت ساله دارد. نظام تجارت جهانی از طریق یک سری ادوار مذاکرات تجاری تحت موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گات شکل گرفت نخستین دور مذاکرات اساساً در مورد کاهش تعرفه ها بود لکن مذاکرات بعدی سایر زمینه ها از قبیل معیارها و ضوابط غیرتعرفه ای و ضوابط ضد دامپینگ^۱ (فروش زیر قیمت) را نیز در بر گرفت، مهمترین دور مذاکرات که بین سالهای ۱۹۹۴-۱۹۸۶ بود و به دور اروگوئه معروف است منجر به تشکیل سازمان تجارت جهانی گردید. البته مذاکرات به این مرحله ختم نگردید و برخی از آنها بعد از پایان دور اروگوئه نیز ادامه یافت چنانچه در سال ۱۹۹۷ توافقاتی در زمینه خدمات ارتباطات راه دور حاصل شد که ۶۹ دولت در مورد برقراری معیارهای گسترده آزادسازی فراتر از موافقتنامه دور اروگوئه در آن به توافق رسیدند. در همان سال، چهل دولت با موفقیت مذاکرات خود را در زمینه تجارت آزاد تولیدات فناوری اطلاعات پایان بخشیدند و هفتاد عضو یک تعهدنامه انجام خدمات مالی را در زمینه پوشش بیش از ۹۵ درصد معاملات تجاری بانکها، بیمه و اطلاعات مالی و اوراق قرضه امضاء کردند. در سال ۲۰۰۰ مذاکرات جدید در زمینه خدمات و کشاورزی آغاز شد این دور مذاکرات وارد برنامه های وسیعتری در اجلاس توسعه دوحه^۲ که در چهارمین کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی در دوحه، قطر، در نوامبر ۲۰۰۱ بود گردید، بر اساس بیانیه دوحه، دور جدید مذاکرات که از آخر ژانویه ۲۰۰۲ آغاز شد. در دور دوحه مذاکرات و سایر کارهایی در زمینه محدودیتهای غیرتعرفه های کشاورزی، تجارت و محیط زیست، برخی مقررات سازمان تجارت جهانی از قبیل اعطای یارانه، قوانین ضد دامپینگ، سرمایه گذاری، سیاستهای رقابتی، تسهیلات تجاری، شفافیت در مقررات خریدهای دولتی، حقوق معنوی، مالکیت، و یک سری از مسائلی که تحت عنوان مشکلات کشورهای در حال توسعه در بکارگیری موافقتنامه های سازمان تجارت جهانی است، صحبت میگردد. (بیدآباد، ۲۰۲۲)

^۱ Dumping
^۲ Doha

اهداف سازمان تجارت جهانی

اهدافی که سازمان تجارت جهانی برای خود تعریف کرده است بدین شرح می‌باشد:

(اسفندیاری، ۱۳۸۴)

- ارتقای سطح زندگی
- تأمین اشتغال کامل در کشورهای عضو
- توسعه تولید و تجارت و بهره‌وری بهینه از منابع جهانی
- دستیابی به توسعه پایدار با بهره‌برداری بهینه از منابع
- حفظ محیط زیست (پژوهه، ۱۳۹۹)
- افزایش سهم کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته از رشد تجارت بین‌المللی (داراب پور، مهراب، ۱۳۹۷)

اهداف گات

- دستیابی به یک نظام تجاری بین‌المللی آزاد بدون تبعیض
- ارتقا سطح زندگی مردم در کشورهای عضو
- فراهم ساختن امکانات نیل به اشتغال کامل در اثر گسترش جهانی
- افزایش درآمد واقعی و سطح تقاضای مؤثر
- بهره‌برداری کامل و کارآ از منابع جهانی
- گسترش تولید و تجارت بین‌المللی کالا
- رفع موانع و مشکلات موجود در زمینه گسترش تجارت جهانی. (موسی زاده، ۱۳۸۲)

تفاوت GATT با WTO

مهم‌ترین تفاوت‌ها عبارتند از :

- گات موافقتنامه‌ای موقتی و اختیاری بود. اما موافقتنامه‌های WTO دائمی است و به عنوان یک سازمان بین‌المللی دارای مبنای قانونی معتبری است زیرا اعضا، موافقتنامه‌های آن را تأیید کرده‌اند و در این موافقتنامه‌ها تشریح شده که WTO چگونه باید فعالیت کند.
- WTO نظام عضویتی دارد که کشورها را تحت شرایط خاص به عضویت می‌پذیرد اما گات دارای طرف‌های قرارداد ۵ بود یعنی کشورهایی که موافقتنامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت را به عنوان یک سند قانونی معتبر می‌دانستند و بر اساس آن عمل می‌کردند.
- گات فقط با تجارت کالا سر و کار داشت اما WTO خدمات و حقوق مالکیت معنوی را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد.
- نظام حل اختلاف WTO سریع‌تر و دقیق‌تر از نظام گات است و رأی آن بلوکه نمی‌شود. (ویکی فقه، ۱۳۹۹)
- گات، صرفاً یک معاهده چندجانبه بین طرف‌های متعاهد و فاقد شخصیت حقوقی یک سازمان بین‌المللی بود.
- مقررات گات، تنها شامل تجارت کالا بود؛ در حالی که موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی علاوه بر تجارت کالا، شامل تجارت خدمات^۱ و جنبه‌های تجاری حقوق و مالکیت فکری^۲ هم می‌شوند. (ویکی فقه، ۱۳۹۹)

موافقت نامه ها

به‌طور کلی، موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی که به‌صورت چندجانبه و

^۱ GATS
^۲ TRIPS

موافقت‌نامه‌های میان چند طرف می‌باشند، به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: (بزرگی، وحید، ۱۳۸۶)

۱. موافقت‌نامه‌های کالایی

۲. موافقت‌نامه‌های غیرکالایی، شامل:

الف: موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (GATS)

ب: موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (TRIPS)

مضمون کلی موافقت‌نامه‌های کالایی، از یک طرف به دنبال کاهش یا حذف موانع تجاری (شامل موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای) و از طرف دیگر، در پی حفاظت از رقابت منصفانه (از طریق اتخاذ اقدامات جبرانی و حفاظتی در مقابل اقدامات غیرمنصفانه؛ که به تعبیری می‌توان آن‌ها را به نوعی موانع غیر تعرفه‌ای تلقی نمود)، همراه با رعایت رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای کمترین درجه توسعه‌یافتگی است. لازم به ذکر است که مفهوم موانع غیرتعرفه‌ای، شامل یارانه‌ها، دامپینگ (قیمت‌شکنی)، ضوابط سرمایه‌گذاری، موانع فنی فراراه تجارت و غیره، می‌شود.

موافقت‌نامه‌های غیرکالایی به دو بخش تقسیم می‌شوند:

موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات؛ علی‌رغم موافقت‌نامه‌های کالایی، که نگاه اصلی آن به سمت کاهش تعرفه‌ها است، در مورد تجارت خدمات (با توجه به غیرمحسوس بودن خدمات و این‌که بخش زیادی از تجارت خدمات مستلزم عبور از مرزها نیست؛ مثل خدمتی که یک پزشک از راه دور برای یک بیمار که در نقطه‌ای دیگر از دنیا است، انجام می‌دهد)، مسئله معکوس است و مسئله اصلی، موانع غیرتعرفه‌ای یا مقررات داخلی است؛ که روی شیوه خدمات تاثیر می‌گذارد.

موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری؛ حقوق مالکیت فکری عبارتست از حقوق ناشی از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های فکری در زمینه‌های علمی، صنعتی، ادبی و غیره. به‌طور کلی حقوق مالکیت فکری به این صورت تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱. حقوق مالکیت صنعتی؛ که شامل دو قسم است:

حقوق مربوط به علائم؛ مثل علائم تجاری و جغرافیایی؛

حقوق مربوط به اختراع و طراحی صنعتی؛

۲. کپی‌رایت و حقوق جانبی آن.

البته وجه اصلی تمایز میان گات و سازمان تجارت جهانی را در همین دسته موافقت‌نامه‌ها (شامل موافقت‌نامه‌های مربوط به تجارت خدمات و حقوق مالکیت فکری) می‌توان عنوان کرد. (ایروانی، ۱۳۸۳)

اصول تجارت جهانی

- اصول سازمان تجارت جهانی با کمی تفاوت همانند اصول مندرج در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت است. به طور کلی سازمان تجارت جهانی بر چند اصل مهم مبتنی است:
۱. اصل عدم تبعیض و اصل دولت کامله^۱: طبق این اصل هرگونه امتیاز بازرگانی یا تعرفه ای که از سوی یک کشور نسبت به هر کشور عضو اعمال می‌شود، به تمام شرکای تجاری عضو، قابل تعمیم است. تنها استثنای این اصل در مورد همگرایی اقتصادی همانند اتحادیه های گمرکی بین چند کشور است.
 ۲. استفاده از محدودیتهای کمی در تجارت همچون سهمیه بندی و صدور پروانه واردات ممنوع بوده، حمایت از صنایع داخلی فقط از طریق تعرفه های گمرکی شفاف امکان پذیر است.
 ۳. کاهش تدریجی و تثبیت تعرفه های گمرکی و حذف موانع تجاری غیرتعرفه ای، مگر در مورد محصولات کشاورزی کشورهایی که با مشکلات در پرداختها مواجه هستند.
 ۴. برقراری نظام تعرفه های ترجیحی با هدف اعطای امتیازات تجاری به بعضی از فرآورده های کشورهای در حال توسعه، به منظور ساده سازی رقابت محصولات این کشورها با محصولات تولیدی کشورهای صنعتی.
 ۵. هرگونه عمل کشورهای عضو که جنبه فروش زیرقیمت تمام شده (DUMPING) داشته باشد ممنوع است.
 ۶. هرگونه رفتار با کالای وارداتی که متفاوت با رفتار با کالاهای ساخت داخل باشد توسط کشورهای عضو ممنوع است.
 ۷. انجام مشورت در مورد سیاستهای بازرگانی با دیگر اعضا و حل و فصل اختلافات

^۱ Most favored nation (MFN) clause

ناشی از روابط تجاری از طریق مذاکره. (اسفندیاری، ۱۳۸۴)

عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی

هفتم خرداد ماه سال ۱۳۸۴ درخواست ایران برای عضویت در سازمان تجارت جهانی مورد پذیرش قرار گرفت و روند احتمالاً طولانی پیوستن دایمی در این سازمان آغاز شد. (اسفندیاری، ۱۳۸۴) در حال حاضر اقتصاد دنیا به سازمان جهانی تجارت پیوسته است و این بدان معناست که ایران و چند کشور از نظر اقتصادی به بزرگترین سازمان تصمیم‌گیر در خصوص فرایندهای تجاری در جهان نپیوسته‌اند و حق تصمیم‌گیری و قدرت تصمیم‌سازی در ساختار اقتصادی جهانی را دارا نیستند. (۲۰۱۳, opex) بر اساس اظهارات مقام‌های مسوول در وزارت بازرگانی، گزارش رژیم تجاری ایران که در واقع گزارشی از وضعیت و پارامترهای اقتصاد ایران است پس از سال‌ها تأخیر به سازمان جهانی تجارت ارائه شده است تا در این سازمان بررسی و سپس مذاکرات ایران برای پیوستن به سازمان با کشورهای عضو آغاز گردد. اما نکاتی چند در این خصوص قابل‌تأمل است. در حال حاضر نزدیک به ۹۸/۵ درصد اقتصاد دنیا به سازمان جهانی تجارت پیوسته است و این بدان معناست که ایران و چند کشور نحیف و کوچک از نظر اقتصادی و سیاسی هنوز به بزرگترین سازمان تصمیم‌گیر در خصوص فرایندهای تجاری در جهان نپیوسته‌اند و حق تصمیم‌گیری و قدرت تصمیم‌سازی در ساختار اقتصادی جهانی را دارا نیستند. با توجه به این نکته پر واضح است که در حال حاضر دیگر سخن از چرایی و لزوم یا عدم لزوم پیوستن به سازمان جهانی تجارت بسیار دیر هنگام و عموماً ناشی از بی‌اطلاعی گوینده از این واقعیت ناخوشایند می‌باشد. نکته دیگر در این خصوص آنست که ایران از جمله کشورهایی بود که پیش از انقلاب به معاهده "گات" پیوست و بعد از انقلاب به دلیل غلبه تفکر اقتصاد دولتی و کنترل شده به اقتصاد باز و اقتصاد آزاد در کشور، حضور در این معاهده را نادیده گرفتیم و این در شرایطی بود که معاهده گات می‌توانست میانبری برای پیوستن هرچه آسانتر و سریع‌تر به WTO باشد، چه آنکه ایران می‌توانست بدون گذراندن فرآیند الحاق در آستانه تأسیس سازمان جهانی تجارت به طور خودکار عضو این سازمان تلقی شود. این غفلت بزرگ برای ایران شرایطی را به وجود آورد تا مجبور شویم بعد از گذراندن ۱۱ سال از ارائه درخواست برای عضویت به WTO و ارسال ۲۲ درخواست مکرر و رد این درخواستها، بعد از سال‌ها انتظار در نهایت در سال ۸۴ به عنوان

عضو ناظر پذیرفته شویم و این روند شان و جایگاه بین المللی ایران را خدشه دار نمود. نکته دیگر اینکه از زمان پذیرش درخواست ایران در سال ۸۴ علیرغم اینکه گزارش رژیم تجاری آماده بود، اما این گزارش در کشوی مدیران وزارت بازرگانی خاک خورد و با سازمان ارائه نگردید و معلوم نیست که این غفلت مجدد ۴ ساله به چه دلیل بود و مسوولان چه پاسخی برای آن دارند؟ اما وضع حال چیست؟

اکنون که این گزارش به سازمان تجارت جهانی ارسال شده است ایران باید خود را بری مذاکره با کشورهایی که علاقه مند هستند با ما بر سر الحاق مذاکره کنند و گزارش رژیم تجاری ایران را مطالعه کنند بر سر یک میز بنشینند و به گفت و گو بپردازد. اما چون ایران جزو آخرین کشورهایی است که روند الحاق را می گذرانند، این مذاکرات سخت و نفس گیر خواهد بود. ما در مسیری قرار خواهیم گرفت که هر کشور کوچک و ناچیزی می تواند از ما امتیاز بگیرد و شرط و شروطی برای ما بگذارد. با این وجود باید اذعان کرد که به دلیل برخی کج سلیقگی ها و سهل انگاری ها، فرآیند الحاق سختی پیش روی خواهیم داشت. بر اساس پیش بینی ها مذاکرات الحاق حداقل حدود ۱۰ سال یعنی تا سال ۲۰۲۰ طول می کشد مگر اینکه مسئولین و تیم مذاکره کنند در برابر کشورهای عضو کوتاه بیاید و به آنها امتیازهای سیاسی و اقتصادی بدهد خصوصا در حال حاضر که به نظر میرسد که شرایط داخلی و خارجی کشور برای پیشبرد موفق مذاکرات مناسب نیست نگرانی از این بابت بیشتر است. اما اکنون که گزارش رژیم تجاری به سازمان جهانی تجارت ارسال شده است هنوز حتی یک چکیده این گزارش هم برای اطلاع بخش خصوصی داخل کشور ارائه نشده است و بخش خصوصی کشور و اتاق های بازرگانی بی خبرند که دولت چه تصویری از اقتصاد ایران به سازمان تجارت جهانی ارائه کرده است و این تصویر تا چه حد مورد قبول و انتظار بخش خصوصی است. علیرغم اینکه مذاکرات الحاق بین دولتها صورت می پذیرد اما بدیهی است که نادیده انگاشتن بخش خصوصی به این حد، بخش خصوصی را بیش از پیش نگران می کند. به هر جهت باید توجه داشت که چالشهای کنونی روابط بین المللی ایران با کشورهای مهم دنیا جایگاه چانه زنی ایران در مذاکرات الحاق را ضعیف می کند. اگر قصد شروع مذاکرات الحاق را داریم باید نخست برای ترمیم روابط بین المللی خود با کشورها و اقتصادهای بزرگ دنیا اقدام کنیم و در غیر اینصورت باید پذیرای جایگاه نامناسب و ضعیفی در مذاکرات الحاق

کشور جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۹۵ از این سازمان درخواست عضویت ناظر کرده و به مدت ده سال پشت درهای آن به انتظار نشسته است. با اینکه کشور ایران در موافقتنامه‌های قبلی حوزه تجارت مانند سازمان جهانی تجارت و گات، حضور تقریباً خوبی داشته است اما اکنون در خصوص سازمان تجارت جهانی این مسئله تکرار نگشته و اکنون از متقاضیان الحاق به‌شمار می‌آید. اولین درخواست ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی در ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۶ به این سازمان ارسال شد. ایران در ۲۶ مه ۲۰۰۵ به عنوان عضو ناظر سازمان تجارت جهانی پذیرفته شد. گروه کاری ایران برای پیوستن به این سازمان هنوز تشکیل نشده است. ایران در آبان ۱۳۸۸ متن گزارش رژیم تجاری خود را تقدیم دبیرخانه سازمان تجارت جهانی نمود. بعد از آن، گزارش رژیم تجاری ایران در میان اعضای سازمان تجارت جهانی توزیع گردید و اعضای سازمان تجارت جهانی سئوالات خود را از ایران بیان می‌دارند که سری اول سئوالات که شامل ۷۰۰ سؤال می‌باشد به وزارت بازرگانی ایران د اسفند ۱۳۸۸ ارسال گشت. اما در خصوص رئیس گروه کاری الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، با آنکه توافق بر سر رئیس گروه کاری الحاق ایران صورت گرفته است، ایالات متحده آمریکا از قرار گرفتن تعیین رئیس گروه کاری الحاق در دستور جلسه شورای عمومی سازمان تجارت جهانی جلوگیری می‌نماید. (LAW I. T., ۲۰۱۰)

پیشینه تدوین گزارش رژیم تجاری ایران

اولین ویرایش یادداشت نظامنامه تجارت خارجی (گزارش رژیم تجاری ایران) در سال ۱۳۷۸ تهیه شده که طی سنوات بعد متناسب با تغییرات در قوانین و مقررات گزارش اولیه به‌طور مکرر مورد بازبینی و تکمیل قرار گرفته است. دو ماه پس از پذیرش درخواست الحاق ایران توسط شورای عمومی سازمان جهانی تجارت در پنجم خردادماه سال ۱۳۸۴، آخرین ویرایش گزارش رژیم تجاری جهت بررسی و ارائه نظرات دستگاه‌ها، انجام بررسی‌ها و اعمال تغییرات و تعدیلات لازم در سال ۸۵ به دولت ارائه شد. بررسی درخواست عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت ۹ سال به طول انجامید. به نحوی که تا پنج سال تقاضای عضویت ایران در شورای عمومی سازمان مطرح نشد و پس از طرح نیز تا چهار سال اجماع در این زمینه صورت نگرفت و در نهایت پس از ۹ سال درخواست ایران در پنج خرداد ۸۴ با اجماع کشورها مواجه و پذیرفته شد و ایران به عنوان عضو ناظر پذیرفته شد. تمام اینها در حالی

است که میانگین زمان عضویت دیگر کشورهایی که سال ۱۹۹۵ به این سو، در سازمان عضو شده‌اند چیزی حدود هفت سال بوده‌است. (زارع، ۱۳۸۷)

مراحل الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی

- ارائه درخواست الحاق ایران به دبیرخانه سازمان تجارت جهانی (زارع، ۱۳۸۷)
- تصویب درخواست الحاق ایران در شورای عمومی و تشکیل گروه کاری الحاق ایران
- ارائه نظامنامه رژیم تجاری ایران به سازمان تجارت جهانی. (site, ۲۰۱۱)
- بررسی و پرسش در مورد گزارش و نظامنامه از ایران
- بررسی شرایط و ضوابط مورد نظر که طی اولین نشست بعدی انجام خواهد گرفت. در این مرحله که مهم‌ترین مرحله نیز محسوب می‌گردد، ایران با دیگر اعضا وارد مذاکرات چند جانبه می‌شود و به این ترتیب شرایط و ضوابطی که ایران ملزم به رعایت آن‌ها در صورت عضو شدن در سازمان است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. (LAW, ۲۰۱۰)
- در مرحله ششم که بیشتر اوقات در حین مرحله پیشین انجام می‌گیرد، مذاکرات دو جانبه بین ایران و دیگر اعضا صورت می‌گیرد که باید منجر به توافقی محکم گردد. این توافقات شامل تعهدات و امتیازاتی است که بایست بین کشورها رعایت گردد. نتایج مذاکرات ایران در دو مرحله آخر شامل سه سند جداگانه خواهد بود که باید در نهایت به تصویب نهایی اعضای کارگروه برسد.
 - سند اول شامل خلاصه توافقات و شرایط پذیرش عضویت است.
 - سند دوم شامل خلاصه مذاکرات بین ایران و دیگر کشورهاست.
 - سند سوم شامل خلاصه مذاکرات دو جانبه بین ایران و کشورهای عضو دیگر است.
- و دست آخر در مرحله ششم گزارش‌های نهایی به شورای عمومی سازمان ارائه و عضویت قطعی می‌گردد. قابل توجه است که تمامی اسناد مربوط به الحاق هر کشور به سازمان جهانی تجارت در تمامی مراحل مورد بررسی در کارگروه، محرمانه بوده و تنها پس از تصویب شورای عمومی این سازمان قابل انتشار است. پس از تصویب نهایی اسناد الحاقی ایران به سازمان تجارت جهانی در شورای عمومی یا کنفرانس وزیران این سازمان، سه ماه به ایران

مهلت داده می‌شود تا مصوبه شورای عمومی سازمان تجارت جهانی را در مجلس به تصویب برساند. پس از گذشت مهلت ۳۰ روزه، دولت باید این تائیدیه را به اطلاع دبیرخانه این سازمان برساند. پس از گذشت این مراحل، ایران به عضویت کامل و دائم در سازمان تجارت جهانی در خواهد آمد. (فکوری، ۱۳۸۷)

دیدگاه فقهی ایران در خصوص پیوستن به سازمان تجارت جهانی

از آنجایی که غالب موانع و مشکلات موجود در راه الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در قانون اساسی نهفته است، به نظر می‌رسد در این باره، رفع موانع موجود، خود با موانع بزرگتر مواجه است. در این که قانون اساسی به عنوان شالوده قوانین و مقررات عمومی کشور است، جای تردید و گمانی وجود ندارد، لیکن اگر بنا بر الحاق به سازمان جهانی تجارت باشد، مصلحت اقتضا میکند در این ورد حتی با توجه به سختی و موانع موجود نسبت به بازنگری قانون اساسی و یا ارائه تفسیرهای قابل انطباق، در اسرع زمان ممکن اقدام گردد. علاوه بر قانون اساسی همانطور که اشاره شد در پارهای دیگر از قوانین جاری کشور با موانعی در مقایسه با مقررات ازمان جهانی تجارت مواجه هستیم که در مورد آنها چنین پنداشت: از آنجایی که تمام آن قوانین جزو قوانین عادی می‌باشند، هیأت دولت میتواند نسبت به تنظیم لوایح جدید اقدام کرده و آن را جهت شور و بررسی به مجلس شورای اسلامی ارسال کند. اما از آنجایی که تمام مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به رویت و نظر شورای نگهبان برسد، به نظر می‌رسد لازم است و رای مزبور نیز با ارائه تفسیرهای قابل انطباق از قانون اساسی در جهت الحاق به این سازمان جهانی مساعدت نماید. به هر ترتیب، اگر بخواهیم به سادگی از این موضوعات بگذریم به راحتی نمیتوانیم به عنوان عضوی از اعضاء جدید سازمان جهانی تجارت در آییم. پس میتوان گفت اصلاح و تغییرات در قوانین و مقررات متعارض با مقررات سازمان جهانی تجارت با توجه به وضع موجود، امری دور از واقع است. (ملائکه پورشوشتری، ۱۳۹۶)

اولویت اول ایران برای الحاق به سازمان جهانی تجارت آماده شدن برای ورود علمی و مدیریت شده به نظام اقتصاد بین الملل و تحکیم تدریجی عناصر اقتصاد بازاری در کشور است. اگر بخواهیم با ایجاد روابط تجاری قاعده مند با ۱۴۵ کشور جهان از مزایایی منتفع شویم و با دسترسی به بازارهای متعدد صادرات خود را گسترش دهیم، طبیعتاً باید

دیگران را نیز از بازار خود منتفع کنیم. این نوع تبادل به تفکر علمی و مدیریت شده و تدبیر نیاز دارد، زیرا با بخشهای مختلف جامعه برخورد دارد و برنامههای توسعه را متأثر میسازد. (ادیبی، ۱۳۹۶)

در دنیای کنونی تجارت و تولید، رقابت شدیدی بین تولیدکنندگان در جریان است. چنانچه تولیدکنندگان داخلی در تولید کالا و محصولات نهایی خود استانداردهای لازم را رعایت نکرده و کیفیت تولیدات خود را ارتقا نبخشند، حتی اگر ایران به عضویت سازمان جهانی تجارت درنیاید، در آینده دچار بحران جدی خواهند شد. ایران از نظر ژئوپولیتیک منطقه ای و منابع طبیعی در بهترین موقعیت راهبردی و سوق الجیشی قرار دارد؛ به جز برخورداری از منابع نفت و گاز خلیج فارس و دریای عمان، آسانترین و کوتاهترین مسیر ترانزیت شرق به غرب و حتی جنوب به شمال یعنی از خلیج فارس به آسیای میانه است. با توجه به عضویت اکثر همسایگان ایران در سازمان جهانی تجارت، متوجه این ضرورت میشویم که چرا ایران پیش از الحاق به این سازمان، باید زمینه ورود خود را آماده کند. از طرفی تعامل و هم پیوندی با اقتصاد جهانی در هر یک از سه سند «چشمانداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴»، «سیاستهای کلی نظام ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری» و «قانون برنامه چهارم توسعه» لحاظ شده و هر کدام از آنها به اقتضا و فراخور خود به این موضوع پرداختهاند. بدیهی است الحاق هدفمند ایران به سازمان جهانی تجارت میتواند شرایط اولیه و لازم برای بهره مندی حداکثری از امتیازات و تعدیل آثار منفی ناشی از الزامات تجارت جهانی آزاد و تحقق اهداف موردنظر را فراهم کند. اصلیتترین راهبرد حاکم بر سیاستهای اقتصاد مقاومتی کشور طی سالهای آتی، باید با رویکرد توسعه صادرات، اصلاح سیاستهای داخلی در راستای حرکت به سوی آمادهسازی صنایع داخلی برای ورود به عرصه رقابتپذیری تجاری و همچنین تدوین و تصویب قوانین هدفمند اقتصادی و راهگشا و جایگزینی قوانین دستوپاگیر همراه باشد. رقابتپذیری، دسترسی آزادانه و منصفانه به بازارهای جهانی از طریق کاهش موانع تجاری، اعم از تعرفه ای و غیرتعرفه ای، مهمترین کارکرد سازمان جهانی تجارت است که با توجه به عضویت اکثریت قریب به اتفاق کشورها در این سازمان، باید در برنامههای اقتصادی و تجاری خود به این الزامات توجه کنیم. در هر صورت، دنیای امروز و آینده با سرعت به سوی جهانیسازی و اقتصاد آزادسازی هرچه بیشتر تجارت جهانی و تسهیل سرمایهگذاری خارجی در کشورها و رفع

تعرفهها می‌رود و ایران نیز از این امر مستثنا نیست و اگر بخواهیم در راهبردهای سیاسی و دفاعی خود مانند گذشته موفق باشیم، لازم است تا در عرصه اقتصاد نیز با بهره‌گیری از نخبگان، ورودی جهادی داشته و هرچه سریعتر کشور را برای عضویت در سازمان جهانی تجارت آماده کنیم، بدون شک فراهم نمودن فضای اقتصادی برای عضویت در این سازمان با اجرای راهبردهای پیشگفته، قطعاً ما را در حوزه صنایع داخلی قویتر و رقابتپذیرتر میکند و بدین ترتیب، قدرت چانه‌زنی ما را در مذاکرات عضویت بالا میبرد و این جز در سایه اتکا به معیارهای اقتصاد مقاومتی و تقویت جدی بنیهای صنایع داخلی از طریق مشارکت واقعی با سرمایه‌گذاران خارجی (سهامدار شدن) و ورود سرمایه، دانش و آموزش تحقق نمی‌یابد. (ادیبی، ۱۳۹۶)

تعارضات حقوقی ایران در پیوستن به سازمان تجارت جهانی

در بسیاری از قوانین و مقررات داخلی ایران، تعارض یا تعارضاتی با مقررات سازمان جهانی تجارت وجود دارد و در ذیل تنها به مواردی که اساس تعارضات حقوقی الحاق هستند، پرداخته است.

۱. موانع حقوقی موجود در قانون اساسی
 ۲. موانع حقوقی مرتبط با حقوق مالکیت معنوی
 ۳. موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات بیمه
 ۴. موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات ارزی
 ۵. موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات مالیاتی
 ۶. موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات گمرکی
 ۷. موانع حقوقی موجود در قوانین و مقررات صادرات و واردات
- موانع حقوقی موجود در قانون اساسی از یک سو اصل ۷۷ قانون اساسی ایران الزام می‌نماید که کلیه قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس برسد که این موضوع شامل موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت نیز خواهد شد. از سوی دیگر مطابق اصل ۱۳۹ قانون اساسی، صلح و دغاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد، در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد- موارد

مهم را قانون تعیین میکند. در مورد موافقت نامه های جهانی تجارت مسئله به این صورت مطرح است که در مرحله اول اختلاف میان اعضاء از طریق مشورت با یکدیگر حل میشود و در صورتی که حل نشد به تقاضای شاکی به مرجع بینالمللی حل اختلاف که به منظور رسیدگی به دعاوی میان کشورهای عضو تشکیل شده است ارجاع خواهد شد و مرجع حل اختلاف حق دارد هیئتهای رسیدگی تشکیل دهد و بر اجرای احکام و توصیه ها نظارت کند. بدین ترتیب در مورد حل اینگونه اختلافات نیازی به دخالت مجالس قانونگذاری در هیچ یک از کشورهای عضو وجود ندارد. یکی از مغایرت های اولیه مفاد موافقت نامه های سازمان جهانی تجارت با نظام اقتصادی ایران در اصل ۴۴ نهفته است

بر اساس این اصل، بازرگانی خارجی دولتی است. هدف گات و سازمان جهانی تجارت کم رنگ نمودن نقش دولت در تجارت کالاهای اساسی و هدایت اقتصاد کشورها به سمت اقتصاد غیردولتی است. اصل ۴۴ قانون اساسی، صنایع بزرگ و مادر، بازرگانی خارجی، بانکداری، بیمه، راه آهن، کشتیرانی، هواپیمایی، معادن بزرگ، سدها و ارتباطات را در اختیار دولت قرار میدهد. اگرچه در عمل این اصل به طور کامل رعایت نمیشود و بخشهای خصوصی و شبه خصوصی درگیر فعالیتهای بازرگانی خارجی میباشند. در حالی که مطابق اصل ۱۶ اصول و قوانین موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت در مورد دسترسی به بازار، اصل آزادسازی تجاری از جمله اصول حاکم بر گات است که در مورد پیوستن کشورها به سازمان جهانی تجارت مورد توجه قرار میگیرد. یکی از موانع مهم در راه الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی اصل ۸۱ قانون اساسی است. به موجب این اصل دادن امتیاز تشکیل شرکتهای مؤسسات راجع به امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است. بر اساس موافقتنامههای سازمان جهانی تجارت، اعضاء میتوانند نسبت به ارائه خدمات مرتبط با موارد فوق در سایر کشورهای عضو اقدام نمایند و این موضوع طبعاً با مفاد اصل فوق تعارض دارد. هر چند که بر اساس تفسیر شورای نگهبان قانون اساسی، شرکتهای خارجی که با دستگاه های دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد نموده اند میتوانند جهت انجام امور قانونی و فعالیتهای خود در حدود قراردادهای منعقد مطابقت ماده ۳ قانون ثبت شرکتهای ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد.

شایان ذکر است که مطابق رویهای که اعضاء سازمان جهانی تجارت برای مذاکره در این بخش در نظر گرفتهاند، کشورهای مذاکره کننده میتوانند رشتههای خدماتی خاص را که

احساس میکنند نیاز به حمایت داخلی دارد، مشمول مذاکره نمایند. اما مجاز نیستند که تمامی رشته‌های خدماتی مورد نظر را از مذاکرات خارج کنند. طبعاً با توجه به این موضوع میتوان رشته‌های خدماتی خاصی را که از حساسیت بالایی برخوردارند مشمول مذاکرات قرار نداد. البته از لحاظ قانونی، امکان تأسیس شرکت سهامی سرمایه‌گذاری خارجی تا حد ۴۹ درصد از سهام، منع قانونی وجود ندارد ولی تفسیر آن از وظایف شورای نگهبان است. به علاوه در مقررات سازمان جهانی تجارت آمده است که هر کشور عضو در سازمان تجارت جهانی میتواند در دیگر کشورهای عضو سازمان، امتیاز تأسیس شرکت را داشته باشد و این هم مغایر با قانون اساسی ایران است و در صورت الحاق باید مد نظر قرار گیرند.

ماده ۱۶ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت در زمینه دسترسی بازار در مورد تجارت خدمات، بیان میکند از جمله اقداماتی که یک عضو نباید انجام دهد برقراری محدودیت در مورد مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی از لحاظ حداکثر درصد سهام خارجی یا بر حسب کل ارزش یکایک یا مجموع سرمایه‌گذاری خارجی است. لازم به ذکر است که ماده ۴۵ قانون جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی بیان میدارد صاحب سرمایه مجاز است که هر سال سود ویژه حاصل از به کار انداختن سرمایه خود را در ایران تا میزانی که در آیین نامه مقرر میگردد به همان ارزی که سرمایه خود را وارد یا محسوب کرده است از ایران خارج کند.

ماده ۳-۱ آیین نامه اجرائی قانون جلب و حمایت سرمایه خارجی نیز اعلام میدارد که بانکهای خارجی یا شعب آنها که مطابق قوانین و مقررات مربوطه در ایران تأسیس میشوند از مزایای قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی و این آیین نامه تا حدودی که با مقررات و موازین قانون بانکداری و آییننامه‌های آن تباین نداشته باشند برخوردارند- گرچه اصول، ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی فعالیت بانکهای خارجی را ممنوع میدارد و علی القاعده در این مورد اصول ۴۴ و ۸۱ به نحوی تخصیص خورده اند. همینطور بنده ماده ۳۱ قانون پولی و بانکی کشور، تأسیس بانکهای خارجی و مؤسسات اعتباری غیر بانکی خارجی را با تصویب مجلس امکانپذیر دانسته است. بند ج همین ماده هر بانکی را که بیش از ۴۰٪ سرمایه آن متعلق به اشخاص حقیقی اتباع خارج یا اشخاص حقوقی خارجی باشد، بانک خارجی محسوب میدارد که باید تحت عنوان بانک خارجی به ثبت رسد. ماده ۳۵ قانون بیمه کشور، واگذاری مؤسسات بیمه ایرانی غیر دولتی به اشخاص حقیقی یا حقوقی تبعه خارج تا ۲۰٪ با موافقت بیمه مرکزی ایران را مجاز دانسته و بیش از آن را موکول به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه

و تصویب هیأت وزیران نموده است. ماده ۴۵ قانون بیمه نیز اعلام میدارد که شروع فعالیت بیمه خارجی در ایران موکول به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تأیید شورایعالی بیمه و تصویب هیأت وزیران است. ماده ۴۷ بیمه نیز انتقال درآمد مؤسسات بیمه خارجی را پس از تکمیل ودیعه موضوع ماده ۴۶ بیمه، بلامانع میداند البته مشروط بر آنکه در هر سال از ۱۰٪ مبلغی که به عنوان ودیعه در نزد بیمه مرکزی است تجاوز ننماید. (بیدآباد ب.ط.، ۱۳۸۴) اصل ۴ قانون اساسی الزام مینماید که کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر آن باید بر اساس «موازین اسلامی» باشد. این اصل بر سایر اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص آن به عهده شورای نگهبان گذارده شده است. اما در بند ۴ از ماده ۱۶ موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت آمده است: هر عضو ملزم به تطبیق قوانین و آیین‌نامه‌های اداری کشور خود با تعهداتش در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مینماید و ماده ۲۳ موافقتنامه جنبه‌های مرتبط با حقوق مالکیت معنوی، در ۱ برگیرنده حمایت‌های تجاری برای علائم جغرافیایی مشروبات الکلی است. ماده ۲۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۴۷ موارد استثناء را بیان میکند که امکان تعدیل در اتخاذ سیاستهای تجاری، تطبیق آن را با شرایط فرهنگی و ارزشی و دینی خاص کشور میسر مینماید. در بند الف ماده ۲۰ به اقدامات تجاری در جهت حراست اخلاقی اشاره میکند. (ملائکه پورشوشتری، ۱۳۹۶)

نتیجه گیری

همان‌گونه که در مقدمه بیان شد یکی از الزامات الحاق به سازمان جهانی تجارت مطابقت قوانین داخلی کشور با مقررات این سازمان است. تراکم قوانین و مقررات در حقوق ایران ارزیابی روشنی از برخورد احتمالی قوانین، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و ... را با ابهام و سختی مواجه ساخته است. برخی قوانین کلان مانند قانون تجارت و اصلاحات بعدی آن، چنان با کاستی‌ها و ابهامات بسیاری درگیرند که دیرزمانی است که از قافله تحولات شتابند اجتماعی جامعه ایرانی فاصله شگرف اختیار نموده‌اند تا چه رسد به پیشرفت‌های شتابند اقتصاد جهانی و مقتضیات آن که بناست در چارچوب سازمان جهانی تجارت خود در زیر یک چتر هماهنگ شود. قوانین دیگر مانند قانون‌های برنامه پنج‌ساله توسعه، قانون بورس اوراق بهادار که باده‌ها آیین‌نامه، بخشنامه، دستورالعمل، امید نامه همراه گردیده، بدون نگاه

به احتمال پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت وضع گردیده و می‌گردند. (پاسبان، ۱۳۹۶) از آنجایی که غالب موانع و مشکلات موجود در راه الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در قانون اساسی نهفته است، به نظر می‌رسد در این باره، رفع موانع موجود، خود با موانع بزرگتر مواجه است. در این که قانون اساسی به عنوان شالوده قوانین و مقررات عمومی کشور است، جای تردید و گمانی وجود ندارد، لیکن اگر بنا بر الحاق به سازمان جهانی تجارت باشد، مصلحت اقتضا میکند در این مورد حتی با توجه به سختی و موانع موجود نسبت به بازنگری قانون اساسی و یا ارائه تفسیرهای قابل انطباق، در اسرع زمان ممکن اقدام گردد.

علاوه بر قانون اساسی همانطور که اشاره شد در پارهای دیگر از قوانین جاری کشور (فقهی و حقوقی) با موانعی در مقایسه با مقررات سازمان جهانی تجارت مواجه هستیم که در مورد آنها میتوان چنین پنداشت: از آنجایی که تمام آن قوانین جزو قوانین عادی میباشند، هیأت دولت میتواند نسبت به تنظیم لوایح جدید اقدام کرده و آن را جهت شور و بررسی به مجلس شورای اسلامی ارسال کند. اما از آنجایی که تمام مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به رویت و نظر شورای نگهبان برسد، به نظر می‌رسد لازم است شورای مزبور نیز با ارائه تفسیرهای قابل انطباق از قانون اساسی در جهت الحاق به این سازمان جهانی مساعدت نماید. به هر ترتیب، اگر بخواهیم به سادگی از این موضوعات بگذریم به راحتی نمیتوانیم به عنوان عضوی از اعضاء جدید سازمان جهانی تجارت در آییم. پس میتوان گفت اصلاح و تغییرات در قوانین و مقررات متعارض با مقررات سازمان جهانی تجارت با توجه به وضع موجود، امری دور از واقع است. (ملائکه پورشوشتری، ۱۳۹۶).

منابع و مأخذ

- LAW, I. T. (۲۰۱۰). ارائه پرسشهای اعضای سازمان تجارت جهانی درخصوص

- گزارش رژیم تجارت خارجی ایران به وزارت بازرگانی.
- (۲۰۲۲). WTO پایگاه اینترنتی سازمان تجارت جهانی . Retrieved from <https://www.trade.gov/>.
 - ادیبی، ع-ح. ز. (۱۳۹۶). آثار حقوقی پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت با تأکید بر موافقتنامه تریمز. فصلنامه تحقیقات حقوقی شماره ۸۲.
 - اسفندیاری، ا. (۱۳۸۴). ساختار سازمان تجارت جهانی.
 - اسفندیاری، امیر). (۱۳۸۴). ساختار سازمان تجارت جهانی، تدبیر-شماره ۱۵۸.
 - اکبریان، ر. (۱۳۸۱). سازمان تجارت جهانی و الزامات آن بر اقتصاد ایران. پژوهشنامه اقتصادی.
 - ایروانی، م. ج. (۱۳۸۳). بخش اطلاعات و روابط رسانه سازمان تجارت جهانی، تجارت در آینده درآمدی بر سازمان تجارت جهانی. مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۲۹-۸۴.
 - باقری، م-ر-ح. ز. (۱۳۸۸). اجرای اصل آزادسازی تجاری در سازمان جهانی تجلرت‌چالش ها و فرصت ها. مجله پژوهش حقوق و سیاست.
 - بزرگی، وحید. (۱۳۸۶). درآمدی بر سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران. تهران، قومس، ۵۷-۱۳۷.
 - بیدآباد، ب. (۲۰۲۲). موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی .
 - بیدآباد، ب-ط. (۱۳۸۴). سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران. تهران: انتشارات گیتی هنر-چاپ اول.
 - پاسبان، م. ج-ح. (۱۳۹۶). ابعاد حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در زمینه مقررات صادرات و واردات. پژوهش حقوقی و خصوصی.
 - پژوهه، س. (۱۳۹۹). برگرفته از مقاله سازمان تجارت جهانی . Retrieved from <https://fa.wikifeqh.ir>
 - داراب پور، مهرباب. (۱۳۹۷). اصول و مبانی حقوق تجارت بین‌الملل، کتاب نخست: کلیات حقوق تجارت بین‌الملل و سازمان‌های تجاری بین‌المللی. گنج دانش.
 - رضایی، ع. (۱۳۹۶). تبیین شرط تواناسازی در سازمان تجارت جهانی. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی.

- زارع، س. (۱۳۸۷). روزنامه دنیای اقتصاد .
- سلطانی، پ. (۱۳۸۸). آفتهای تاخیر در پیوستن به WTO. Retrieved from <https://web.archive.org/>
- شب خیز، م. (ر. ۱۳۹۲). ه. ش اصول فقه دانشگاهی. قم - ایران: نشر لقاء.
- شفیع‌ی سروسنانی، ا. (۱۳۸۵). قانون‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- فکوری، م. (۱۳۸۷). روزنامه دنیای اقتصاد .
- مشکینی میرزا، ع. (۱۴۱۶ ه. ق. (اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها. قم-ایران: نشر الهادی.
- ملایکه پورشوشتری، س.-ک. (۱۳۹۶). موانع حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت. دو فصلنامه دانش و پژوهش حقوقی، دوره چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۹۷.
- موسی زاده، ر. (۱۳۸۲). سازمان‌های بین‌المللی. میزان، ۲۳۷.
- ویکی فقه. (۱۳۹۹). گات. دانشنامه حوزوی.
- LAW, I. T. (۲۰۱۰). Multilateral Negotiations.
- opex. (۲۰۱۳). Retrieved from <http://www.opex.ir/maghalat-p۱۳-d۱۳-fa.html>
- site, W. M. (۲۰۱۱). Languages, Documentation and Information Management Division.